

# کمیک‌های زیرزمینی

مترجم: جعفر صبغی خسروی

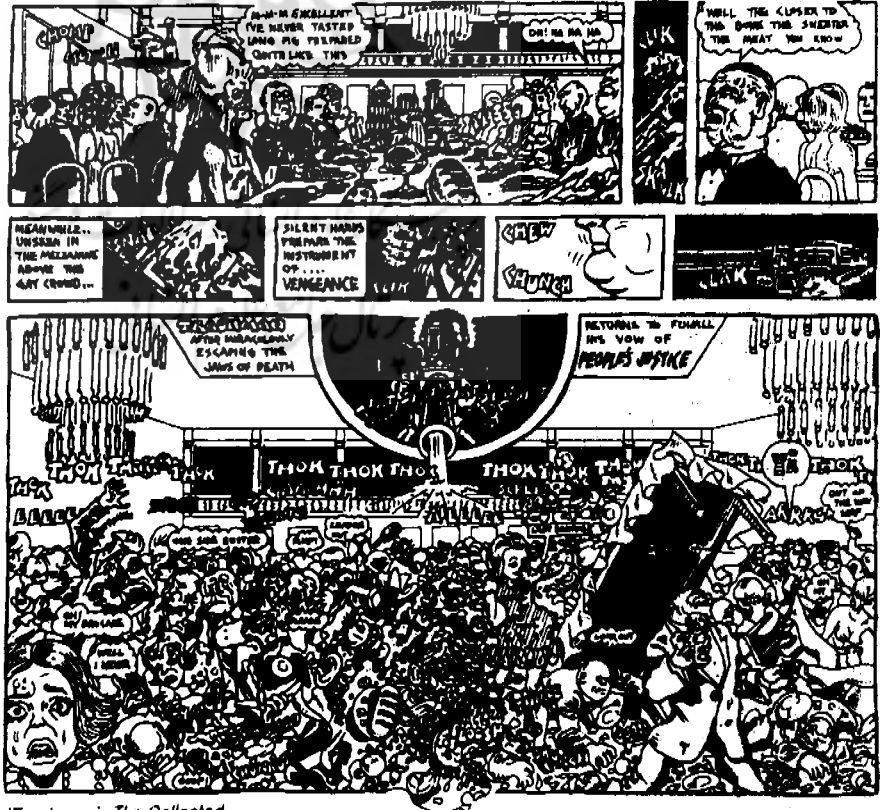
کمیک زیرزمینی که در اواخر دهه ۶۰ پدیدار شد، را می‌توان نقطه عطفی در هنر کاریکاتور به شمار آورد. برای اولین بار در اوان جنگ جهانی بود که مشخص شد کمیک تنها منحصر به قشر کم‌سن و سال و کودکان نیست. در این دوران، این مولود نوپا بر موضوعات ضداخلاقی مربوط به سکس، مواد مخدر و سیاست برای بزرگسالان متمرکز گردید.

واژه «زیرزمینی» بهترین مفهومی است که برای محصولی از جوامع کوچک ملی انتخاب شده است. از این سالها به عنوان سالهای گسترش اعتراض همگانی بر علیه مداخله آمریکا در ویتنام و وقایع ماه مه پاریس یاد می‌کنند. در زمان چنین تحولاتی، نسل نوینی از کمیک به وجود آمد تا چشم‌اندازی از جوامع از هم‌گسیخته و ستیزه جویا شد و شاید بتواند آرامشی درونی را سبب شود. آرامشی که شاید با آزادی جنسی، آزادی همه‌جانبه بیش از سنین بلوغ و از همه مهمتر استفاده آزادانه و نامحدود از مواد مخدر همراه بود.

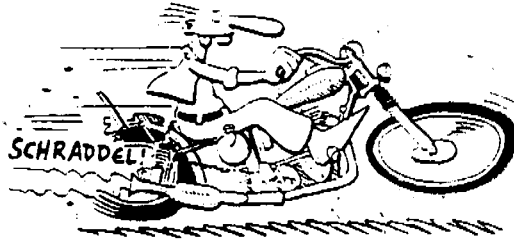
این مورد آخری، در مقاطعی بسیار حساس، گونه‌ای از تمایلات ضدفرهنگی و اخلاقی بود که تاثیر شدیدی بر روی جوامع از خود به جا گذاشت. تاثیری که نه تنها اعتراضی به آن نشد، بلکه در عمل به عنوان فرهنگی غالب با بنیانی از ایده‌آلهای برابری بشر جایگاهی خاص برای خود یافت. در نقش یک حرکت (اگر واقعا بتوان آن را حرکت نامید)، هر صورتی از هنر و تلاشهای خلاقه منشعب از آن چه موسیقی باشد و چه تئاتر و چه فیلم و چه کمیک می‌تواند وسیله‌ای برای انتقال چنین القانات ضداخلاقی باشد.

کمیکهای زیرزمینی نیز منعکس‌کننده و رواج‌دهنده چنین پیامهایی بوده‌اند. آنها برخلاف اولین کمیکهای بزرگسالان قرن نوزدهم که دارای موضوعات انقلابی و طنزآمیز بودند، خارج از عناوینی همچون «COMIX» یا «KOMIX» می‌شناختند. هر دو مخفیانه تحت شرایط مستبدانه‌ای تولید می‌شدند و همیشه حاوی نام و نشانی ناشر در صفحه ۲ مجله بودند.

در بریتانیا، کمیک به عنوان یک ایده ارادتی شناخته شده است. ضدفرهنگ بریتانیایی سرعیا به عنوان یک عضو موفق خانواده انتشارات گسترش یافت و به وسیله روزنامه و مجلاتی مانند «IT» (International Times) «OZ» عمدا از گرافیک برای رسیدن به تیراژ بیشتر بهره گرفت. در این بین، تعدادی از کتابهای شعر مصور از این شیوه یاری گرفتند. به ویژه کتابهای جف ناتال از این ترفند به کرات استفاده کرده است.



'Trashman', The Collected  
Art/script: Spain Rodriguez.



و درگیری تاکید ورزد. گرامب شخصیت‌های بسیاری را معرفی کرده است که شاید مشهورترینش «فریتز گریبه» باشد، گریبه‌ای وحشی و فراری از قانون با تمایلات جنسی. او همچون استریپهایش به مرور خصوصیات خود را نمایان کرد. شاید استریپهای گرامب اعترافات ضمنی وی بر بی‌میلی و یا حتی کینه‌اش نسبت به جنس زن باشد. او بعدها تکامل تدریجی کارهایش را در دوران تزکیه نفس خویش این‌طور بیان می‌کند: «اول باید دست از اعمال حرام بشوئید و آن‌طور که خود می‌دانید از آن بگذرید (اعمال نژادپرستانه، انحرافات جنسی) و با تکیه بر توانایی طرحایاتان ششادی بیافرینید آنگاه همه آنها را پشت سر بگذارید و پول و تجارت را مدنظر قرار دهید.»

این توانایی گرامب در تداوم نه تنها به عنوان فرم محوری کمیک زیرزمینی، بلکه در تاریخ کمیکهای بزرگسالان به عنوان مکمل دیگر خالقین آن به خوبی دیده می‌شود. به عنوان مثال در سانفرانسیسکو «زپ» پس از چاپ دوم، به یک گلچین ادبی بدل شد. این مولفیت بر سطح کیفی کمیکهای محلی به نحو چشمگیری تاثیر گذاشت و موجب گسترش سریع آنها شد. در این زمینه در رجه اول، کیلیبرت شلتون قرار داشت، شاید بدنه‌گوترین خالق کمیک زیرزمینی و به وجود آورنده شناخته‌شده‌ترین شخصیت خود «Wonder warthog»، تقلیدی از یک فوق‌قهرمان و پری الهسانه‌ای برادران فرک. شوخیهای مانوئل اسپین رودریگز (Manuel Spain Rodriguez) خشنتر بودند توصیف و معرفی مردی خشن و در عین حال معروفترین مخلوق او به نام Trsahman، گونه‌ای از فوق‌قهرمانی هرج و مرج طلب که به هیچ چیز جز کشتار اعضای

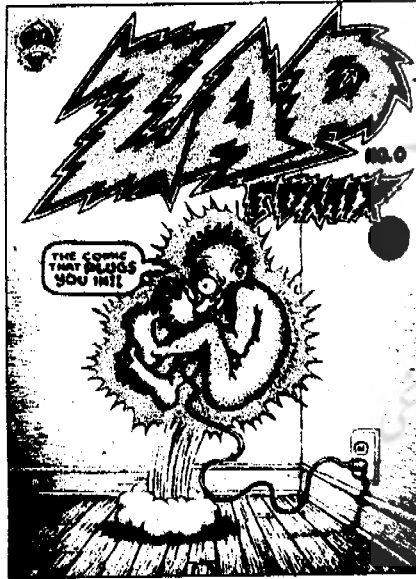
از آنجاکه کمیک با سرگرمی کودکان در ارتباط بوده است، تلاش بسیاری صورت گرفت تا از انحصار کودکان خارج شده، به قشر بزرگسالان نیز تسری یابد. به دنبال این حرکت، اولین کمیک، در آمریکا ظهور کرد، جایی که پذیرای کسی تحول در ماهیت آن هستیم. در ینگه دنیا، اولین زیرزمینی‌ها در اواسط دهه ۶۰ پدیدار شدند (چاپ انفرادی، اندازه‌های کوچک و تیراژ کم). آنها اغلب از دانشکده‌ها نشأت می‌گرفتند، جاهایی که مجلات خنده‌دار از ۱۹۳۰ به جامعه آمریکایی معرفی شده بودند. این مجلات اکنون با ظهور مجله «Mad» و مقلدینش حیات دوباره‌ای می‌یافت. در همین زمان، استریپهای شخصی در روزنامه‌های ضدفرهنگی آمریکایی جایگامی برای خود یافتند. (شاخص‌ترین آنها «Berkeley Barb» و «La Free Press» و «East village other» بودند.

اولین کمیک زیرزمینی پرتیراژ در ۱۹۶۷ زاده شد، کمیک سرچشمه گرفته از شهر سانفرانسیسکو، بهشت موعود هیپی‌ها، با عنوان «Zap» که محصول افکار و ایده‌های رابرت گرامب (Robert Grumb)، مشهورترین شرکت‌کننده در تهیه استریپهایی از این دست بود. وی شخصیت‌هایی را معرفی کرد که هر یک میدل به یک نماد ضداخلاقی شدند، شخصیت‌هایی مانند سفیدپوستی سمج و نژادپرست و یا یک معلم مذهبی سرمایه‌دار و انسان‌گریز. شاید بزرگترین مخلوق گرامب طنزی ساده‌لوحانه از نسل عاشق‌پیشه با معمای «چطور معرفت را یاد می‌دهید؟» باشد.

نشان کمیک شیوه جذاب طراحی -disney بود، شیوه‌ای مغایر با موضوعات ترکیب با سبک آشکار، سیاستها بفرنج و پیچیده و داروهای تحذیرکننده. «زپ»، «Zap»، زندگی خود را آغاز کرد و گرامب آن را به یاری دوستش شخصا به چاپ رساند و کپیها را سوزن زده سر چهارراهها به فروش رساند. آنها بسیار زود ناچار به تجدید چاپشان شدند، چراکه استقبال باورنکردنی بود. به این ترتیب هزاران نسخه از آن به فروش رسید.

با رشد و تکامل سریع «زپ»، ناشران نیز با بهره‌گیری از شیوه‌های صحیح توزیع سرتاسر آمریکا را به زیر پوشش آن بردند. با اختراع شیوه نوین چاپ افست کپی‌گرها مانند فارچ سر از خاک بیرون آوردند. به قول یکی از مورخین «زپ» کتابی بود که الهامبخش بسیاری از هنرمندان گردید تا کمیکهای خود را منتشر سازند.

به این ترتیب، گرامب میدل به پیشوای کمیک زیرزمینی شد. او فهرستی از استریپهای آماده نمایش خود را عرضه کرد تا بیش از گذشته بر ستیز



AT IT AGAIN.



The great Zap, testing a new character.

Here a man is called a 'Zap' because he is a 'Zap'.

Here a man is called a 'Zap' because he is a 'Zap'.

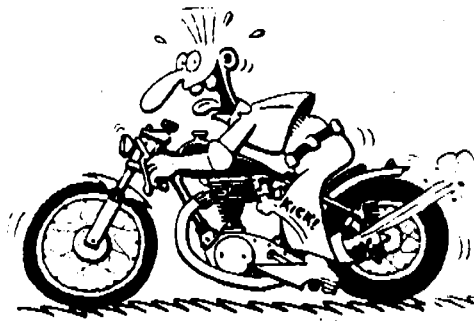
طبقه سرمایه‌دار فکر نمی‌کند. اسپین می‌گوید که سعی دارم آن را به عنوان یک احتمال قریب‌الوقوع از سوی طبقه کارگری ارائه کنم، همانهایی که سیاست را به مسخره می‌گیرند و بر رادیکالها برتری می‌یابند.

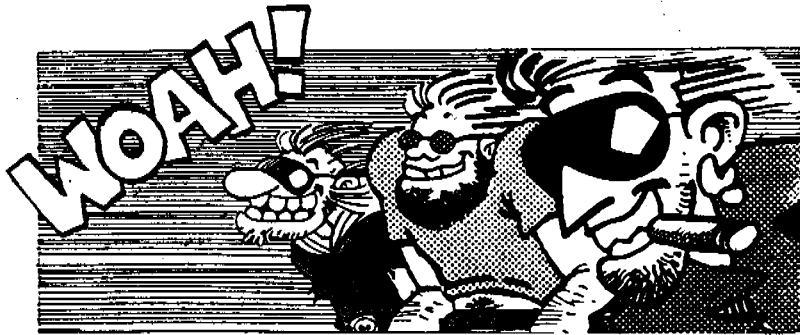
شیکاگو دومین شهر کمیک زیرزمینی (۱۹۶۸) به مکان تجمع خالقینی تبدیل شد که نمی‌توانستند با خط‌مشی زپ خود را سازگار سازند. این گروه مشتمل بر جاستین کریین (ارباب مسلم شکنجه و عذاب طبقه کاتولیک گناهکار)، اسکپ ویلیامسون (خالق snappy sammy smoot)، آرت اشینگل من (صاحب noir تعلیهای انتزاعی که در ضمن سرگرم کننده بودن نامفهوم و حل نشدنی می‌نمودند)، کیم دیت (کسی که وسوسهای مخفی را چهارچوب کار خود قرار می‌داد) و جی لینچ (خالق شخصیت محبوب و مردمی Nardn 'Pat) می‌شدند.

موج اول کمیک زیرزمینی آمریکایی بنا نهاده شد، کمیکهایی که بیشتر سیاسی و یا حاوی موضوعات روز بودند. در ۱۹۷۰ اولین کمیک اختصاص به آزادی زن یافت که با «Wimminscornix» در ۱۹۷۲ پیگیری شد. هر دو واکنش مستقیم زنان بر علیه سکس روز بود که در اکثر زیرزمینها دیده می‌شود (بویژه در آثار گرامب، ویلسون واسپین)، دیگری کمیکی بود که به سیاستهای هسته‌ای کشورها می‌پرداخت.

تا اوایل دهه ۷۰، فرهنگ آمریکایی بر کمیک تسلط داشت. به ناشرین بزرگی مانند Rip off و Kitchen sink Last Gasp که کمیکهای معروفی را منتشر می‌ساختند، روز به روز ناشرین دیگری نیز اضافه می‌شد. در اوج انتشار کمیکهای زیرزمینی میان سالهای ۷۲-۱۹۶۸ تخمین زده شده است که شش ناشر بزرگ کمیک چیزی در حدود صدهزار کمیک در ماه به فروش رسانده‌اند. البته این تیراژ قابل توجه آن چیزی نبود که انتظار می‌رفت، یعنی بسیار کمتر از حدی بود که ادعای آن را داشتند. با این وجود، ناشرین کمیک قادر به رقابت با مارول (Marvel) یادی. سی.سی (D.C) نبودند، چرا که این دو از شیوه‌های متفاوتی در جلب و حفظ خوانندگان بهره می‌بردند. دلیل دیگرش این بود که این دو قادر بودند که براحتی کد را نادیده بگیرند و با نشانه‌ای مشابه، زیرزمینی خود را به سوی بلوزهای جوانان پوسترها، جلد صفحه‌های گرامافون و هرچا که ریدهای هیپها وجود داشت، روانه سازند (قریتر گریه حتی دوباره به روی فیلم آورده شد). در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰، در آمریکا، کمیکها آشکارا در جایی از خود حرکت نشان می‌دهند. این وضعیت یقیناً بهایی بود که برای موفقیت دوران تنشهای سیاسی باید پرداخته می‌شد و هنوز پس از چند سال گذشت توسعه صنعتی در ماورای سواحل آمریکا در جریان است.

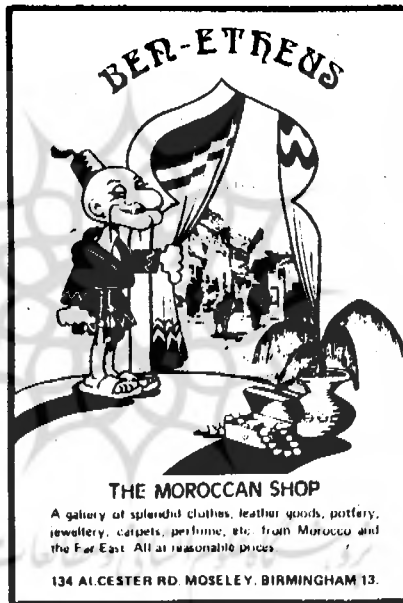
هنگامی که کمیک برای اولین بار به بریتانیا رسید، تأثیرات شگرفی بر مطبوعات گذاشت. استریپهای شخصی برای اولین بار در روزنامه‌ها دیده شد (بویژه «آ» و «OZ»، تا اینکه شماره آنها در سالهای ۶۹-۱۹۶۸ به مقدار قابل توجهی رسید که با تجدید چاپ می‌شدند و یا به آرشیو نامها





# MAD SUPER SPECIAL

NUMBER  
TWENTY-SEVEN



for a Birmingham headshop,  
published in Street Comix.

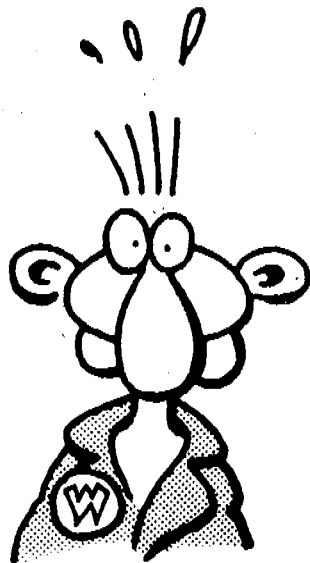


می‌پیوستند. کمیک خیلی زود جای خود را در میان خوانندگان بریتانیایی پیدا کرد، خوانندگانی که بیشتر از میان جوامع هیپی‌ها و یا دانشجویان بودند. بار دیگر آثار گرامپ جنبه عمومی یافت و نسخه انگلیسی آن شروع به رشد کرد تا اینکه اولین کمیک در ۱۹۷۰ آشکار شد. «Cgclops» تلخیصی از گروه کمیکهای «It» به سرپرستی گراهام کین (Graham Keen) بود. کارهای کین در کنار استیریپهای آمریکایی اسپین و گیلبرت شلتون و آثار جدید ادوارد بارکر (Edward Barker) ری لاری (Ray Lawry) کارتونیس «New Musical Press» و «Private Eye» و مارتین شارپ تجدید چاپ شد. این کمیک بواقع پیشرو زمان خود لقب گرفت و با بهایی نزدیک به ۳ شیلینگ گرانیه می‌نمود. «Nastgtales» دنباله‌رو آن شد، کمیکی که بواقع آن را می‌توان خواهر «It» دانست. در این

زمان بود که این کمیک به فرم کتابهای کمیک آمریکایی نزدیکتر شد و بیشتر در قالب «زپ» جای گرفت. بار دیگر آثار آمریکایی و انگلیسی در هم ادغام شدند، اما با طنزی بیشتر و تأکیدی افزونتر بر بی‌عدالتی، شرکای آمریکایی شامل گرامپ، اسپین، شلتون و ویلیامسون در کنار یاران انگلیسی خود به سرپرستی ادوارد بارکر، مالکولم لیونینگستون (Malcolm Livingstone) و کریس ولج (Chris Welch) کار را آغاز کردند. هنوز قیمت همان ۲۰ پنس بود، اما در ۱۹۷۳ با بحث و جدل مورد تجدید نظر واقع شد.

در این دگرگونی، «Cozmik Comics» (۱۹۷۲) موفق نشان می‌داد، همانی که اولین کام را برای کسب پول و شهرت برای مجله «OZ» برداشت. قابل ذکر است که شناخته شده‌ترین کمیک زیرزمینی و قدیمی‌ترینش در نوع خود با بیش از بیست عنوان چاپ شده و تحت عنوان «Cozmik» به چاپ می‌رسید. بار دیگر آثار آمریکایی، بویژه آثار گرامپ و شلتون قد علم کردند و این زمانی بود که تعداد کارتونیسهای بریتانیایی رو به فزونی گذاشته بود، کسانی همانند دیوگیبوتز (Dave Gibbons) و برایان بولد (Brian Bolland) و آنکوس مککی (Angus Mckie)، کسی که برای پیشبرد کمیک فرانسوی «Metal Horland» دعوت به کار شد و مبدل به یکی از مشهورترین تصویرگران روی جلد کتاب شد. خط کمیکهای منفرد با خالقان بریتانیایی مانند مایک ولر (Mike Weller) ادوارد بارکر و جو پتاگنو (Joe Petagno) کامل می‌شود.

در خلال سالهای ۱۹۷۳-۵ وقفه‌ای در روند تولید کمیکها ایجاد گردید، وقفه‌ای که با ورود غیرمنتظره «Brain stern Comix» در ۱۹۷۵ از بین رفت. این کمیک اثر یکی از خالقان ناب به نام برایان تالبوت (Bryan Talbot) بود. طراحی که شخصیت کارش چستر هکنبوش (Chester Hachenbush) کیمیاگر جادوگر یک رجز زیبا به کیمیاگری باستانی است این استریپ را می‌توان نمونه اصیل آلیس در سرزمین عجایب دانست. تالبوت بعدها آن را اینطور توصیف می‌کند: «در آغاز داستان، هکنبوش سفری را آغاز می‌کند و در پایان معنویتش تنزل می‌یابد.» بدون شک، از میان تمامی کمیکهای بریتانیا که نظر



به داروهای نشئه‌آور داشته‌اند «Brainstorm» بر فروش‌ترین آنها بود. این کمیک به فروشی نزدیک به ۱۲۰۰۰ نسخه در هر شماره دست پیدا کرد که البته این روند در ۱۹۷۷ پس از انتشار ۶ شماره قطع شد. در نهایت کمیک خیابانی «Street Comix» در ۱۹۷۶ مسیری تازه را در بریتانیا بنا نهاد، کمیکی که از آزمایشگاه هنرهای بیرنگام گونه‌ای (فروشگاه گونه‌ای برای عرضه هنرهای ضد اخلاقی) سرچشمه گرفت. در بیان تجربیات شیرین زندگی و ارائه زندگینامه‌ها در این کمیک سهم بسزایی را باید برای استیو بل (Steve Bell) (بعدها استریپ روزانه «If» را برای «کار دین» ارائه کرد)، کوین انیل (Kevin O'neil) (کسی که برای استریپ ۲۰۰۰ سال پس از میلاد دعوت به کار شد) و سوزی وارتی (Suzy Varty) (برجسته‌ترین زن خلاق بریتانیایی) قائل شویم. رهبری کمیک به عهده هانت امرسون (Emerson Hunt) بود، همان کسی که سمت معاونت سردبیری را نیز به عهده داشت. استریپ او ناخواسته شخصیت‌پردازی شد، روند طراحی به جریان افتاد و با سرعت ۱۰۰ مایل در ساعت پیش رفت. طرح‌هایی که با ماسهای خیال‌انگیز و انحراف‌های خطوط فرم می‌گرفتند. او بعدها این گونه توضیح می‌دهد:

«وقتی شروع به کار کردم، از کشج‌ترین نقطه حرکت را آغاز کردم و آرام آرام می‌دیدم که چه اتفاقی روی می‌دهد. چندی بعد استریپ‌هایم با داستانهایی واقعی به هم گره خوردند.» «مجموعاً پنج کمیک خیابانی وجود دارد که آخرین آنها در ۱۹۷۸ انتشار یافت. اینها نمونه‌هایی از مشهورترین کمیکهای بریتانیایی بودند. هرچند تعداد آنها بیش از اینهاست. اما باید داشت که اکثر آنها به صورت انفرادی تهیه می‌شدند و جایی در میان نام‌آوران نمی‌یافتند. در چنین دورانی، همه کمیکها سرگرفته از صحنه‌های آمریکایی با مختصر تغییراتی بودند (Cglops) و Street Comix و بدون هیچ



تردیدی ماجرا جویانه‌ترین آنها بودند).

درست مانند استریپ‌های تجدید چاپ شده آمریکایی، همواره نزدیکی نوع بریتانیایی و آمریکایی از دید شیوه کار به طور یکنواخت دیده می‌شود. اگر چه نفوذ فراگیر کمیک آمریکایی بدین معنی نیست که کمیک بریتانیایی نهی از هر گونه شخصیت‌پردازی است، بلکه مفسرین و منتقدین فن آن را اینطور تلقی می‌کنند. براحتی ستاره خلق می‌شود (بویژه در مورد امرسون و تالبوت). کمیک شیفتگیهای خاص خود را دارد و در میان عامه بیشتر احتمال می‌رود که به عنوان یک مرجع شناخته شود، به عنوان مثال، تلاش گروه ادوارد هیس (Edward Heath) پیشگام ملی و پانک بریتانیایی.

کمیک زیرزمینی بریتانیایی بدین‌گونه حرکتی مکمل برای همتای آمریکایی‌اش بود. آنها با یکدیگر یک جایگزینی را به نمایش گذارند. شرکاتی برای برقراری کمیک و ستیزی هجو با وضعیت فرهنگی و سیاسی جامعه.

با دقت بیشتر در کارهای اجرا شده می‌بینیم که کمیک عموماً در مسیر اصلی تولیدش به خود کمک کرده و خود را از اشتباهات عاری ساخته است. خالقین آنها نه تنها حق‌المتیاز و حق‌التالیف آثارشان را دریافت می‌کردند، بلکه می‌توانستند تحت پوشش حق‌تالیف (کسی را بابت قرار گیرند، چاپ در حداقل تیراژ انجام می‌گرفت (گاهی تنها چند صد نسخه) و سوددهی گاه بسیار اندک بود اما با این وجود در حداقل ایمنی در نحوه توزیع انجام می‌شد. در کنار این مورد بندرت ضرب‌العجلی برای کمیکهای تجاری و بازاری ایجاد می‌شد. نه فشاری بالقوه آنها را در محدودیت قرار می‌داد و نه عدم بازگشت پول در میان بود و به عنوان کمیکی آماده نشر از حداکثر آزادی هنری استفاده می‌کردند.

اگر هدایتی مسلکی برای کمیک زیرزمینی وجود داشت، می‌توانست به طور خلاصه بگوید: «که

هیچ اتفاقی نیافتاده است.» مطابق آن، شیوه توزیع و فروش براساسی متفاوت و بی‌عیب و نقص پایه‌ریزی شد. در برخی از بخشها غیرقابل تصور بود که کمیک زیرزمینی بتواند به فروشی معمولی در آژانسها خبری برسد. به این دلیل مشارکتهای شبکه‌ای می‌بایست توسعه یابد.

مایک فارن «Mike Farren» و پراستار «Nasty Tales» بعدها این‌گونه توضیح می‌دهد دلیلی. اسمیت این روزها ضربت خفه‌کننده‌ای را از سوی بازار فروش متحمل شده است. آنها حتی نتوانستند «Private Eye» را بگیرند، به همین دلیل کاملاً آشکار است که چه از سوی انسانهای «سگ‌نمای» رابرت گرامب بر آنها رفته است. بدینسان، به پیروی از رهبر آمریکایی، شبکه‌ای کوچک براساس همکاری با فروشگاههای عرضه صفحه گرامافون و کتاب‌فروشیها و بالاتر از همه با فروشگاههای مرکزی عرضه لباسهای مدرن هیپی‌ها، و فروشگاههای لوازم زنانه و غیره پی‌ریزی شد. اگرچه تصور چنین امری در این روزگار کمی مشکل به نظر می‌رسد، اما باید دانست فروشگاههای مرکزی ارتباطی قوی با شهرهای بزرگ در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰ داشتند، کینگسز رود و پورتوبلسورود در لندن شاید معروفترین آنها باشند.

از این رو اقتصاد کمیک زیرزمینی با ضرورت وجود شخصیتی متفاوت از کمیکهای دیگر روبرو بود و این مستلزم تلاشی خالصانه‌تر و سخت‌تر بود. گرامب بعدها گفت: «از آنجا که خیالپردازی کار سهل و آسانی است، هنگامی که کارهای مهیج و تحریک‌کننده به طراحان‌شان الهام می‌گردید، غرور و تکبری بر آنها مستولی می‌شد. این آزادی مطلق بود که آنها گرفتارش می‌شدند. به کسی نمی‌توانستیم بفهمانیم که شما نمی‌توانید این را طراحی کنید، کارهای بدساخته وجود داشت و این خامی است که تصور شود موضوع ضد اخلاقی برای خود، عامل یا نتیجه عملی ندارد.»

اما چرا تنزل زیرزمینیها با نزول موضوعات ضد اخلاقی همزمان شد. در اینجا، سه دلیل عمده می‌توان برای آن عنوان کرد که شامل هر دو نوع آمریکایی و بریتانیایی شود: ۱) عکس‌العمل مستقیم از سوی جامعه، ۲) همکاری و گسیختگی همقطاران و ۳) ظهور گونه‌های نوین کمیک بزرگسالان از این رو است که نارضایتی میان شرکای کمیکهای زیرزمینی امروزی وجود دارد. کاملاً آشکارا می‌توان زوالی تدریجی را از ۱۹۷۵ در این زمینه در بریتانیا دید. مسلماً در کشوری که کمیک با «خوشی بدون گناه» برابر است، نمی‌توان اعتراض به مندرجات خشن و سکسی آن را دور از انتظار دانست. و بنابراین چنین کمیکی نمی‌توانست تاب بیاورد.

کمیک زیرزمینی داستانی بود با شروعی شورانگیز و عشاوینی مهیج که در کنار کمیکهای جنسی آمریکایی خودنمایی می‌کرد. شخصیت‌سازی آنها برپایه اعمال شهوانی به بیراهه کشیده شد و کمرنگ گردید، اگرچه تلاشهای کوچکی انجام شد تا چرایی آن عنوان شود. این حرکتها با مصادره و ضبط اموال ناشناسترین از سوی پلیس و حکمهای دادگاهی پیگیری شد.

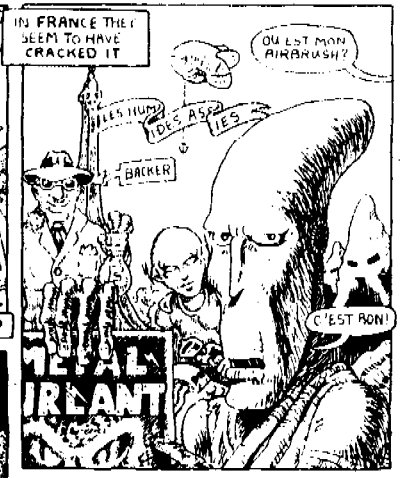
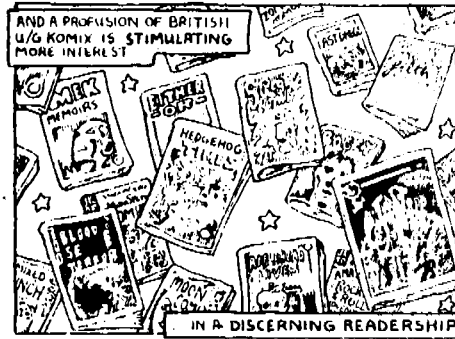
با نگاهی به گذشته درمی‌یابیم که به دو علت کمیک سیب شده بود که واکنشهای خصمانه‌ای را دامن بزند. اول اینکه به معبری برای رواج آسان عقاید ضدبنیادی تبدیل شده بود و دوم اینکه به فرسی بچه‌گانه هر چیز طبیعی را معکوس نشان می‌داد. در کشوری که کمیک با «خوشی عاری از گناه» برابر باشد اعتراض به مندرجات خشن و سکسی آنها دور از انتظار نیست.

کمیکهای زیرزمینی بریتانیایی داستانی بود با شروعی شورانگیز و عناوینی مهیج که در کنار کمیکهای جنسی آمریکایی خودنمایی می‌کردند. شخصیت‌سازی آنها بر پایه اعمال شهوانی به بیراهه کشیده و کمرنگ شد. این حرکتها با مصادره و ضبط اموال ناشران از سوی پلیس و احکام دادگاهی پی‌گیری گردید. در نهایت در ۱۹۷۲ خالقین "Nasty tales" به جرم وقاحت بازداشت و به زندان اولد بیلی انتقال یافتند. این واقعه را می‌توان مهمترین عکس‌العمل قوه قضایی در تاریخ کمیکهای بریتانیا دانست. دادرسی با محاکمه نشریه اسم و رسم‌داری همچون "OZ" آغاز شد. و با محکومیت ویراستاران مجله که در زندان بسر می‌بردند، پایان یافت. آنها تنها زمانی از بند آزاد شدند که پوشه‌هایشان باطل اعلام شد.

"Nasty tales" بار دیگر مورد ارزیابی قرار گرفت و دعوی آن مجدداً به دادگاه ارجاع شد، زیرا یک دختر هشت ساله یک نسخه از کمیک را خریداری کرده بود. یکبار دیگر پای ضد اخلاقها به دادگاه کشیده شد. در یک حرکت گسترده تبلیغاتی، جورج پری (George Perry) از «سازندای تأثیر» و جرکین گریر (Germaine Greer)، فیلسوف و نویسنده داستانهای زنانه، برای ارائه هجویات کمیکهای بزرگسالان به شهادت گرفته شدند. در نهایت "Nasty tales" تویخ شد و با این جمع‌بندی که تمایلات غیرمجاز در جامعه مدرن بسیار نوسان داشته است، از بند رست. اما به هر طریق این را یک فتح بی‌فایده می‌توان دانست، چرا که پیامش ضایع شدن کمیک در میان جامعه مردمی بود. این مورد و دیگر یورشهای پلیس و مصادره اموال برای ناشران بسیار گران تمام شد. کمیک هوخواهان طبیعی‌اش را از دست داد. تا آنجا که این سوال مطرح شد که آیا کمیک خود را با شرایط وفق داده است یا اینکه آن را باید از بین رفته دانست.

ماخذ:

ADULT COMICS



Street Quomix (1977), Bryan Talbot's melancholy comment on a dying

